

Sample Question Paper
Persian
Academic Session: 2024-25
Code No : 123
Class - XII

2024

Total Marks **80**

Attempt all questions.

Section A Reading and Comprehension 10 Marks

1. Read the following passage carefully and answer the questions in Persian and give the meaning of the words in English and suggest a suitable Persian title. **7+2+1**

درج ذیل عبارت کو غور سے پڑھ کر نیچے دیے سوالوں کا جواب فارسی میں دیجیے اور الفاظ کے معنی انگریزی میں اور مناسب عنوان دیجیے۔

طوفان شدیدی در جنگل می وزید. باد با قدرت برگ درختان را به زمین می ریخت و حتا درخت بلندی را شکسته بود. باوجود این پرندگان و حشرات صبورانه به کار خود مشغول بودند. آنها سعی می کردند دانه های میوه را زیر خاک پنهان سازند. صبح روز بعد طوفان به پایان رسید و خورشید نورش را به همه جا تابانید. در این موقع مورچه ای از لانه اش بیرون آمد و با صدای گرفته گفت: چه طوفان وحشتناکی بود. بعد با تعجب گفت: اون دیگه چیہ؟ مورچه یک شفیرہ دید کہ بر اثر طوفان از درخت به زمین افتاده بود.

a در جنگل چه می وزید؟ 2

b باد به زمین چه می ریخت؟ 2

c باد با درخت بلندی چه کرده بود؟ 3

d کلمات "مورچه و لانه" را به زبان انگلیسی معنی کنید؟ 2

e عنوان مناسب برای پراگراف بالا بنویسید. 1

Section B Writing Section

20 Marks

2. Write a letter to your friend in Persian and tell him how you will spend your summer holidays. **5**

اپنے دوست کو فارسی میں خط لکھیے اور اسے بتائیے کہ آپ گرمی کی چھٹی کس طرح گذارینگے .

3. Write a paragraph on the festival of Nowruz in 100 – 125 words in Persian. 5

فارسی میں 100 – 125 الفاظ کی حد میں جشن نوروز پر ایک پراگراف لکھیے.

4. Write the summary of following text in Persian/ Hindi/ English/ Urdu. 10

درج ذیل متن کا فارسی/ ہندی/ انگریزی/ اردو میں خلاصہ لکھیے.

روزی از روزها از دور سیاهی پدید شد، به سوی او رفتم، دیدم اسبی است بزرگ، چون به او نزدیک شدم شیهه ای بلند زد که از آن ترسیدم، ناگاہ مردی از زیر زمین در آمد و بانگ بر من زد و گفت: کیستی و از کجای؟ گفتم: من مردی غریبم، با جمعی از یاران خود به دریا افتادم و خدای تعالی مرا نجات داد. مرد آستین من گرفت و گفت: با من بیا. مرا با خود به سردابی برد و از آنجا به خانه ای بزرگی که در زیر زمین بود رفتیم، برایم خوردنی آورد، به قدر کفایت خوردم و ماجرای خویش بتفصیل باز گفتم. از قصه ی من عجب آمدش، و گفت: من نگهبان رمه های ملک مهرجان هستم، اکنون ترا به سوی ملک می برم تا شهر را تفرج کنی و از آنجا به شهر خود بازگردی.

Section C Applied Grammar

20 Marks

5. Use the following adjectives in a sentence. 5

درج ذیل صفات سے جملہ بنائیے.

بزرگ، سیاه، قشنگ، باہوش، عمیق

6. Give the meaning and aorist of the following infinitives. 5

درج ذیل مصادر کے معنی اور مضارع بتائیے۔ 5

a. پریدن

b. خندیدن

c. نوشیدن

d. نواختن

e. بافتن

7. Form five sentences in future tense in Persian with the following infinitives. 5

درج ذیل مصادر سے فعل آئندہ بنائیے۔ 5

A رفتن B درس دادن C رقصیدن D پختن E استراحت کردن

8. Correct the following simple sentences. 5

درج ذیل جملوں کی تصحیح کیجیے۔

a. من در کلاس آمدہ است۔ 1

b. آنها بہ خانہ برگشت۔ 1

c. مادر در آشپز خانہ ہستید۔ 1

d. تو کجا می رویم؟ 1

e. کلکتہ در شرق ہند واقع ہستند۔ 1

Translate any two passages into English/Urdu/Hindi. 20

درج ذیل تین عبارتوں میں سے دو کا انگریزی/اردو/ہندی میں ترجمہ کیجیے۔

9.

جشن سده مانند نوروز و مهرگان از عهد ساسانی به یادگار مانده و مانند آن دو، بزرگ و با شکوه بوده است، چنان کہ برای این جشن جایگاهی ویژه و کاخی با شکوه درکنار آتشکده ها ترتیب می دادند. جشن سده پس از اسلام نیز با شکوه بسیار برگزار می شد، و مراسم آن در دشتها و کوه ها انجام می گرفت. در این روز سران و فرماندهان به فراہم کردن ہیزم و خار و خاشاک فرمان می دادند. در دشتها بر فراز تپہ ها و کوه ها از ہیزم پشته ها می ساختند و هنگام شب آتش در آن می افکندند. گاهی شعلہ ها چنان اوج می گرفت کہ از فرسنگ ها راه دیدہ می شد، چنانکہ گویند: در جشن سده ای کہ سلطان مسعود غزنوی برپا کردہ بود، شعلہ آتش از ده فرسنگی نمایان بود.

10.

مردی به یک موسسه پرورش حشرات و حیوانات کوچک رفت و گفت: لطفاً به من بیست سی موش، چهل پنجاه عنکبوت و شصت هفتاد سوسک بدهید. مدیر موسسه نگاہی باو کرد و گفت: میخواہید روی این حیوانات آزمایش پزشکی بکنید؟ مرد جواب داد: خیر من چند سال قبل خانہ خرابہ ای اجارہ کردم و پس از تمیز کردن آن در آنجا اقامت کردم حالا صاحبخانہ میخواهد مرا بیرون کند من ہم میخواهم خانہ را همانطوری کہ تحویل گرفته بودم باو تحویل بدهم!

11.

در یکی از روز های سرد و تازیک زمستان سال ۱۸۴۷ میلادی در عمارت کوچکی در یکی از شهر های آمریکا پسری به دنیا آمد. اسم او را توماس الوا ادیسون گذاشتند ولی او را آل می خواندند. آن بچہ کنجکاوی بود و ہر روز آثار ہوش و استعداد در او نمایانتر می گشت. وی نزد مادرش تازیخ آمریکا و جهان و آثار مورخان و دانشمندان مشہور را فرا می گرفت.

12. Explain the following couplets in Urdu/English/Hindi. 10

مندرجہ ذیل اشعار کی اردو/ہندی یا انگریزی میں وضاحت کیجیے۔

A. ندانست از آن دانه بر خوردنش کہ دہر افکند دام در گردنش

B. زغن گفت از این دانه دیدن چه سود چو بینایی دام خصمت نبود

- C. این جشن فرخ سده را چون طلایگان
D. گفتا برو به نزد زمستان به تاختن
E. چون اندرو رسی به شب تیره سیاه
- از پیش خویشتن بفرستاد کامگار
صحرا همی نورد و بیابان همی گذار
زود آتش بلند بر افروز روز وار

Section E

Internal Assessment

20 Marks